معرفی مشاهیر (ابن ماسویه)

ابراهیم مصلحی شاد*

گروه طب اسلامی و طب سنّتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران

ابوزکریا یوحنا (یحیی) ابن‌ماسویه‌ی خوزی (حدود ۲۴۳-۱۶۱هجری شمسی، ۸۵۷-۷۷۷ میلادی) پزشک ایرانی‌نژاد و مسیحی نسطوری شاگرد جبرییل بن بختیشوع و معلّم حنین ابن اسحاق از مردم خوزستان بود. وی پزشک مخصوص مامون و جانشین او در بغداد و سامرا گردید و از طرف مامون به ریاست بیت‌الحکمه بغداد برگزیده شد. گفته‌اند که پدرش ماسویه به‌عنوان داروساز در بیمارستان جندی‌شاپور اشتغال داشته است. ماسویه در بغداد به چشم‌پزشکی پرداخت و پس از معالجه‌ی چشم خادم فضل‌بن ربیع و سپس خود فضل به دربار هارون خلیفه راه یافت و به‌سرعت ترقّی کرد. هارون‌الرشید او را به ترجمه‌ی آثار طبّی ترغیب نمود. به‌نظر می‌رسد که یوحنا به‌جز سریانی و عربی، زبان یونانی نیز می‌دانسته است.

ابن‌ماسویه یکی از مشهورترین پزشکان دانشگاه جندی‌شاپور بود. وی احتمالاً از زمان هارون تا زمان خلیفه توکّل همواره از پزشکان دربار بوده است. وی با اغلب پزشکان معاصرِ خود، چون جبرییل‌بن بختیشوع، سلمویه، خانواده‌ی طیفوری و حتی حنین اختلاف داشت ولی بعدها با حنین طرح دوستی ریخت. آثار ابن‌ماسویه در کنار جالینوس و دیسکوریدوس از مهم‌ترین مراجع می‌باشد و این خود بر اعتبار او می‌افزاید.

یوسف بن ابراهیم می‌نویسد: جلسات خانه‌ی یوحنابن‌ماسویه از مجلل‌ترین مجالس طبی بود که من در دارالسّلام دیده بودم چنان‌که هیچ‌یک از مجالس متکلّمین و فلاسفه به پای آن نمی‌رسید. در مجلس او حاذق‌ترین اطباء، علمای اخلاق و فلاسفه حضور به‌هم می‌رساندند. شهرت او از نظر پزشکی بیش از همه‌ی اطباء بغداد بود.

کتاب الحمیّات ابن‌ماسویه احتمالاً کهن‌ترین تک‌نگاری دوره‌ی اسلامی درباره‌ی تب‌ها است. از میان آثار مهمّ او که به‌دست ما رسیده است، محنه‌الاطباء از کهن‌ترین آثار دوره‌ی اسلامی در باب آزمایش پزشکان است.

ابن‌ماسویه در پیشرفت نهضت ترجمه، نقش مهمی ایفاء کرده است. حنین بن اسحق و حبیش بن اعسم به درخواست وی ٤ کتاب جالینوس را که به عربی ترجمه شده بود، به سریانی برگرداندند و حنین ۹ اثر دیگر جالینوس و احتمالاً آثار دیگر را برای یوحنا از یونانی به سریانی ترجمه کرد.

ابن ابی اصیبعه آورده است: "حنین ملازم یوحنّا شد و نزد او شاگردی کرد و به حرفه‌ی پزشکی مشغول گردید". حنین آثار فراوانی بخصوص کتاب‌های جالینوس را برخی به سریانی و برخی به عربی برای او ترجمه کرد (۳-۱).

ابن‌ماسویه در رشته‌های مختلف پزشکی چون چشم پزشکی، داروشناسی و داروسازی و تشریح، آثار مهمّی تألیف کرده است. وی درباره‌ی بیماری‌های عصبی و روانی چون مالیخولیا، سدر و دوّار و جذام تک‌نگاری داشته که متاسّفانه از بین رفته است.

آثار وی را حدود پنجاه اثر دانسته‌اند که از ابن‌ماسویه و یا منسوب به اوست. متاسفانه هنوز تحقیق جامعی از کتاب‌های او انجام نشده است. از این رو فهرست کاملی از آثار ابن‌ماسویه در دست نیست.

ابن‌جلجل می‌گوید: "یوحنّا بن ماسویه را در طب اسراری است که آن را برای مردم منافعی جاودان گردانیده است. کتاب‌هایش فراوان است و کسی نمی‌تواند مانند آن تالیف کند."

به روایت قفطی، یوحنّا خود را از جالینوس برتر شمرده است. ابن‌ماسویه آثار گرانبهایی از خود باقی گذاشته است که برخی چون "دغل‌العین" اوّلین اثر در نوع خود و نیز درس‌نامه‌ی دانشجویان بوده است و چشم پزشکان می‌بایست جهت دریافت گواهی آن را یاد بگیرند و امتحان بدهند.

* فرد مسوول مکاتبات

طبق نظر سزگین، یوحنّا در داروسازی نیز اطلاعاتی داشته است. آثاری که در آن‌ها از یوحنّا نقل قول شده است عبارتند از: فردوس‌الحکمه ربن‌طبری، الابنیه موفق‌الدین هروی، الصیدنه‌ی بیرونی، جامع‌المفردات ابن‌بیطار. از شاگردان وی می‌توان یوسف‌بن ابراهیم، ابن‌حمدون‌بن عبدالصمد، اسحاق‌بن ابراهیم و ابراهیم عیسی را نام برد. امّا مشهورترین آن‌ها حنین‌بن اسحق است که مدّتی نزد ابن‌ماسویه پزشکی خواند. ابن‌ماسویه با عدّه‌ای از دانشمندان دوستی داشت و کندی، فیلسوف معروف، رساله‌ی در نفس را برای او نگاشت.

آثار ابن‌ماسویه در کنار آثار جالینوس و دیسکوریدوس مهم‌ترین منابع رازی به‌شمار می‌رود. رازی حدود هزار بار به آثار مختلف ابن‌ماسویه استناد کرده است و اعتماد وی دلیل محکمی بر مهارت ابن‌ماسویه می‌باشد. ابن‌ماسویه در سال ۸۵۷ م/ ۲٤۳ ق فوت کرد (۷-٦،٤-۲).

در این‌جا برخی از مهم‌ترین آثار ابن‌ماسویه به‌طور اختصار بررسی می‌شود (۱۷-۸ ، ۵،۲،۱):

۱- **"کتاب النوادر الطبیه"** شامل ۱۳۲ اندرز پزشکی فلسفی و اخلاقی است که به تقلید از فصول بقراط نگاشته است و به دوست و شاگرد خود تقدیم کرده است.

نسخه‌ی خطّی آن در چند کتابخانه موجود است. رشید۳۷۷ (برگ ۳٤ر-۲۵ر، تا ۱۱۱۹ هـ.)، مادرید، کتابخانه‌ی ملّی ٦۱۰ (۸ برگ)، لیدن ۱۳۰۲ (کد ۱۲۸، ۲ برگ)، گوتنیگن، قاهره (الازهر). احتمالاً کنستانتین آفریقایی آن را به لاتین ترجمه کرده و تحت عنوان "فصول یوحنای دمشقی" منتشر شده است. پل اسباط متن کتاب را در سال ۱۹۳٤ در قاهره به چاپ رسانده است.

از اندرزهای ابن‌ماسویه در کتاب النوادر الطبیه مطالب زیر مستفاد می‌شود:

الف- همیشه برای پزشکان مفید خواهد بود که درباره‌ی شرایط عمومی بیمار پرسش کنند و درباره سوابق شخصی و شرایطی که او را به این مرحله رسانیده است، بررسی کنند.

ب- به پزشکان توصیه می‌شود که از بیمار خود مراقبت کنند و به او امید دهند که بهبود خواهد یافت، گرچه همیشه قطعی نیست.

پ- ابن‌ماسویه بیمار را به پرهیز غذایی تشویق می‌کند و چنان‌چه او بیشتر نیازمند باشد، باید به تجویز دارو و درمان‌های بعدی پرداخت.

۲- **"کتاب الحمیات"** راجع به تب، انواع، سبب‌شناسی و درمان آن‌ها بحث می‌کند. طبق نظر ابن‌ماسویه، تب‌ها می‌توانند یا علامت بیماری باشند و یا خود بیماری. این کتاب احتمالاً کهن‌ترین تک‌نگاریِ دوره‌ی اسلامی است و رازی در الحاوی به آن استناد کرده است.

نسخه‌ی خطی در تیموریه‌ی قاهره (۱۱۷ طب، در ۷۸ برگ، تاریخ قرن ۱۳/۷) و نسخه‌ی دیگر در مجموعه‌ی حکیم در همان کتابخانه (شماره‌ی ۲۲ طب) از مقایسه‌ی آن‌ها به‌نظر می‌رسد که مشابهت‌هایی با آخرین بخش (هشتادمین) کتاب الکناش‌الکبیر دارد و ابن‌ماسویه آن را خلاصه کرده و به‌خاطر اهمیّت آن را تحت نام دیگری منتشر کرده است.

پتروس اسپانیایی آن را به لاتین ترجمه و به همراه شرح، آن را منتشر کرده است. در ضمن ابن‌موسی آن را در سال ۱۳۹٤م. به عبری برگردانده است.

۳- **"کتاب جنین‌شناسی"** نویسنده قابل توجه است. وایسر آن را به انگلیسی برگردانده و در مجلّه‌ی تاریخ علوم عربی شماره‌ی ٤ /۱۹۸۰م. به طبع رسانده است.

٤- مقاله‌ای تحت عنوان **"مقاله‌ی یحیی‌بن ماسویه فی‌الجنین و کونه فی‌الرحم"** درباره‌ی جنین و رشد آن در زهدان. نسخه‌ی خطّی آن در بغداد متحف ٦٤۹ (برگ ۲٤٦ر-۲٤۲پ، قرن ۹ هـ) موجود می‌باشد. این مقاله نیز توسط همان مترجم (وایسر) به آلمانی ترجمه شده و در همان مجلّه‌ی شماره‌ی ۸، سال ۱۹۹۳م. به‌چاپ رسیده است.

۵- **"کتاب دغل‌العین" (اختلالات چشمی)** از کهن‌ترین کتب درسی چشم پزشکی است که به دست ما رسیده است.

متن یونانی-سریانی آن مفقود شده و متن عربی آن دارای اصطلاحات فنی یونانی، سریانی و ایرانی است. در این کتاب آناتومی چشم، بیماری‌ها و درمان آن‌ها بحث می‌شود که اوّلین تلاش در نوع خود می‌باشد. این اثر شامل ٤۷ فصل است: ۱۰ فصل آناتومی، ۳٦ فصل سبب‌شناسی و آخرین فصل راجع به درمان.

نسخه‌ی کامل آن در کتابخانه‌ی تیمور پاشا، قاهره (۱۰۰ طب، ۳۵ برگ، تاریخ ۵۹۲.هـ) و دیگری در لنینگراد است. مایرهوف و پروفر بخشی از ٤٧ فصل آن را به‌طور دقیق به آلمانی تشریح کرده‌اند و در مجلّه‌ی "اسلام"، شماره‌ی ٦، سال ۱۹۱٦ در اشتراسبورگ به چاپ رسانده‌اند. پرگنس PERGENZ با کوشش فراوان نقل قول‌های یوحنا بن‌ماسویه را (از ترجمه‌ی لاتینی) در الحاوی رازی جمع‌آوری کرده است. در ترجمه‌های لاتین ابن‌ماسویه به‌عنوان FILIUS MESUE یا (MESUE SENIOR بزرگ‌تر) لقب گرفته است، جهت وجه افتراق با (MESUE JUNIOR کوچک‌تر) اهل ماردین MARDIN که طبق نظر لئوی آفریقایی در سال ٤٠٦ هجری در قاهره فوت کرده است، به‌عبارت دیگر ۱۵۰ سال پس از MESUE بزرگ‌تر.

٦- کتاب دیگر ابن‌ماسویه در چشم پزشکی **"معرفة محنه‌الکحالین"** است، مقاله‌ای است کوتاه به‌صورت پرسش و پاسخ بدون بحث تداوی راجع به تجارب چشم پزشکان و خلاصه این‌که کتاب راهنمایی است برای دانشجویان.

دو نسخه‌ی کامل آن در کتابخانه‌های تیموریه‌ی قاهره و لنینگراد موجود است.

۷- **"کتاب الازمنه و الامکنه"** درباره‌ی فصول و ۱۲ ماه و ارتباط آن با خوراکی‌ها و نوشیدنی‌هایی که بدن به آن نیازمند است و بالاخره اقدامات پیشگیرانه مثل فصد و حجامت در فصول مختلف.

نسخه‌ی خطّی آن در اسعد ۱۹۳۳ (برگ ۱۸٦ر-۱۸۰ر). کتاب فوق در الحاوی ۸٦/٦ با عنوان **"تدبیر الازمنه"** آمده است. ترجمه‌ی دیگر آن توسط پل اسباط در بولتن انستیتوی فرانسوی مصر در سال ۱۹۳۳ به شماره‌ی ۱۵ با حواشی به زبان فرانسه در قاهره منتشر شده است. ترجمه‌ی دیگر آن توسط ژرار تروپو در مجله‌ی arabica در سال ۱۹٦۸ به شماره‌ی ۱۵ به چاپ رسیده است. در ضمن نسخه‌ای از آن نیز با ترجمه‌ی عبری موجود است.

۸- کتاب **"جواهرالطیب المفرده باسمائها و صفاتها و معادنها"** در این کتاب درباره‌ی مواد معطّری چون مشک (MUSC)، عنبر (AMBRE)، کافور (CAMPHRE)، زعفران (SAFRAN) و قرنفل (GIROFLE) سخن رفته است. نسخ خطّی متعددی از آن موجود می‌باشد: گارت ۲۱٥٤ (٥۹۰ هـ)، تهران، ملک ۱٥٦۹ (٦ برگ، قرن ۱۱ هـ). این اثر با تصحیح پل اسباط تحت عنوانِ رساله درباره‌ی مواد ساده‌ی معطّر از یوحنّا ماسویه در "بولتن انستیتو فرانسه‌ی مصر" در سال ۱۹۳٦ (شماره‌ی ۱۹) به چاپ رسیده است. در ضمن ترجمه‌ی انگلیسی آن توسط مارتین لوی LEVEY تحت عنوان "ابن ماسویه در رساله‌اش درباره‌ی مواد ساده‌ی معطّر" در مجلّه‌ی تاریخ پزشکی شماره‌ی ۱٦ سال ۱۹٦۱ منتشر شده است.

۹- **"کتاب ماءالشعیر"**

نسخه‌ی خطّی آن در الجزیره ۱۷٤۷ (برگ ۱۱۳-۷٦، قرن۱۰ هـ)، رازی در الحاوی ۹۹/٦ از آن ذکر کرده است. اوّلین شرح آن در الرساله الهارونیه یافت شده است که توسط ابوالحسن عیسی‌بن الحاکم الدمشقی (۲۲٥ هـ/۸٤۰ م.) یکی از همکاران ابن‌ماسویه نوشته شده و حدود سی‌سال قبل از کتاب اوّل منتشر گردیده است.

این رساله‌ی کوچک توسط پل اسباط در "بولتن انستیتوی فرانسوی مصر" در سال ۱۹۳۹ با ترجمه‌ی فرانسوی به شماره‌ی ۲۱ به چاپ رسیده است.

۱۰- **"کتاب الجواهر و صفاتها و ضبعه الغوّاصین و التجار"** در مورد سنگ‌های قیمتی است. وی به نحوه‌ی استخراج و محل‌های آن و نحوه‌ی تجارت آن پرداخته است. نسخه‌ی خطّی آن در قاهره، تیمور، مجموع ۳٦۳ (برگ ٤۸پ۳٥ر، قرن ۱۱ هـ) و در سال ۱۹۷۷ به کوشش عماد عبدالسلام رئوف در قاهره به چاپ رسیده است. تیفاشهی در کتاب خود **"ازهار الافکار فی جواهر الاحجار"** بهره برده است.

۱۱- **"کتاب الکناش المشجر"** طبق گفته‌ی اولمان یکی از قدیمی‌ترین کتب درسی پزشکی است که به‌صورت شاخه به شاخه (مانند شجره النب) تنظیم شده است.

نسخ خطّی متعددی از این کتاب موجود است: بانکی‌پور ۱/٤، ش ۲۱٦۷ (۱۱۷ برگ، قرن ۹ هـ) رامپور ٤۹۱، طب ۲۰٤ (۱٥٦ برگ، ۱۰۸٦ هـ).

این کتاب راهنمایی است درباره‌ی بیماری‌های بدن، آسیب‌شناسی و درمان. به گفته‌ی قفطی، ابوعمران موسی بن سیار و ابوالطیب ابراهیم بن نصر تعلیقاتی بر آن نوشته‌اند. این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است و ژرار کرمونایی آن را به لاتین ترجمه کرده و در سال ۱٤۹۷ در ونیز منتشر نموده است.

۱۲- "کتاب الادویه المسهله (قفطی) همان اصلاح الادویه المسهله (ابن‌الندیم) یا فی ترکیب الادویه المسهله"

نسخه‌هایی از آن در ایتالیا و انگلستان یافت می‌شود. این کتاب به زبان لاتین ترجمه شده است. این ترجمه با متن عربی هم‌خوانی ندارد. رازی و ابن‌بیطار از این کتاب استفاده برده‌اند (٤-۳).

۱۳- **"کتاب التشریح"** در طب اسلامی اوّلین اثری است که در این باب نوشته شده است و نسخه‌ای از آن در حلب موجود است (٦).

یولیوس پاگل آن را به زبان آلمانی برگردانده و تحت عنوان **"جراحی ادعایی ابن ماسویه"** در سال ۱۸۹۳ در برلین به چاپ رسانده است.

۱٤- **"کتاب الحیوان"** که قطعاتی از آن باقی است، رازی در کتاب الحواس خود از آن بهره برده است. در ضمن خلاصه‌ای از آن به زبان لاتین در کتابخانه‌ی بادلیان به شماره‌ی ٦۹، برگ‌های ۲۳-۲۷ موجود است (۷).

به نظر می‌رسد می‌بایست بررسی‌های دقیقی از آثار ابن‌ماسویه به‌عمل آید تا جایگاه وی در طب اسلامی و تاثیر آن در پزشکی غرب تعیین گردد. جهت اطلاع بیشتر درباره‌ی منابع و ماخذ ابن‌ماسویه به بروکلمان، سزگین، اولمان، ابن‌اصیبعه، ابن الندیم، ابن جلجل، قفطی و تک‌نگاری‌های موجود مراجعه گردد.

منابع

۱. ابن ابی اصیبعه: عیون الانباء. ج. ا. مکتبه دار الحیاه، بیروت، ص:۱۷۵، ۱۹٥٦.

۲. اولمان، مانفرد: طب سنتی. ترجمه‌ی: بدره ای، فریدون. انتشارات طوس، تهران، ۱۳۸٦.

۳. ابن الندیم، محمدبن اسحاق: الفهرست. ترجمه‌ی: تجدد، محمد رضا. انتشارات امیرکبیر، تهران، ص:٥۲٦، ۱۳٦٦.

٤. ابن جلجل، سلیمان‌بن حسان: طبقات‌الاطباءوالحکماء. ترجمه‌ی: امام، محمّد کاظم. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، صص:۹-۱۳۷، ۱۳٤۹.

5. Meyerhof M, Prufer C. Die Augenheilkunde Des Ibn- Masawaih. Strassburg; 1916.

٦. ابن القفطی: تاریخ الحکماء. ترجمه‌ی: دارایی، بهمن. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، صص:۲۸-٥۱۳، ۱۳٤۷.

۷. بیرونی، ابوریحان: کتاب‌الصیدنه فی‌الطب. تصحیح: خویی، زریاب. انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.

۸. اولیری، دلیسی: انتقال علوم یونانی به عالم اسلام. ترجمه‌ی: آرام، احمد. انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، صص:۲٥٤-۲٥٥، ۱۳٤۳.

۹. جمیلی، رشید: حرکه الترجمه فی المشرق الاسلامی فی القرنین الثالث و الرابع للهجره. ترجمه‌ی: آئینه‌وند، صادق. انتشارات سمت، تهران، ص:۹۷، ۱۳۸٥.

۱۰. حمارنه سامی خلف: نظرات ابن ماسویه درباره‌ی طب، درمان و آسیب‌شناسی. کنگره‌ی بین‌المللی تاریخ طب، ج. ۲، ص:۷٦۷.

۱۱. بجنوردی، محمد کاظم: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳٦۹.

۱۲. رازی، محمّدبن زکریا: الحاوی. حیدرآباد، دکن، ۱۹٥٥-۱۹۷۰.

۱۳. ابن ربن طبری: فردوس‌الحکمه. تحقیق: صدیقی، محمّد زبیر، چاپ برلین، ۱۹۲۸.

۱٤. شریعتمداری، حمید رضا: از برخورد تا گفت وگو، مقالاتی درباره مناسبات اسلام و مسیحیت. انتشارات لوح فکر، تهران، ص:۱٤۸، ۱۳۸۳.

۱٥. صفا، ذبیح‌اله: علوم عقلی در اسلام. ج. ا، انتشارات امیر کبیر، تهران، ص: ٦۱، ۱۳٤۱.

۱٦. حنین بن إسحق: العشر مقالات فی العین. تحقیق: مایرهوف، ماکس. القاهره، ۱۹۲۸.

۱۷. هروی، موفق‌الدین: الابنیه عن‌حقایق الادویه. به کوشش بهمنیار، محبوبی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳٤٦.